

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

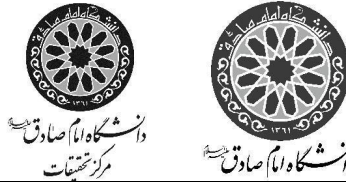
مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (علیه السلام)

تألیف: جمعی از نویسندگان

به اهتمام: دکتر احمد پاکتچی

با گفتارهایی به قلم، (به ترتیب حروف الفبا)

اصغر افتخاری - مرتضی ایروانی - حسامالدین آشنا - احمد پاکتچی - عادل پیغامی - محمدحسین توانایی
محمدجواد جاوید - فرامرز حاج منوچهری - فریبن زینب حسینی - شهرام خداوردیان
مرتضی خرمی - یاسین شکرانی - کسری صادقی زاده - عیسی علیزاده منامی
ابوالفضل علیشاهی قلعهچوقی - احد فرامرز قراملکی
مهدی قضاویزاده - مجید کافی - مهدی گلشنی
رضا محمدزاده - عبدالهادی مسعودی
سید ابوالقاسم نقیبی - حسین هوشنگی



میبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (ع) ■ تألیف: جمعی از نویسندگان ■ به اهتمام: دکتر احمد پاکتچی
 ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ نمایه سازی: رضا دنیا ■ چاپ اول: ۱۳۹۱ ■ قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۶۳-۴

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.



انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) ■ تهران: بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت
 تلفکس: ۸۸۲۷۰ ۱۴۲ ■ صندوق پستی: ۱۶۶۵۵-۱۵۹ ■ E-mail: isu.press@yahoo.com ■ فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir

سرناسه: پاکتچی، احمد، ۱۳۴۲ - گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور: میبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (علیه السلام) // به اهتمام تألیف احمد پاکتچی؛ دبیر اجرایی مرتضی سلمان نژاد.
 مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۶۰۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۶۳-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: جعفرین محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ق.
 شناسه افزوده: سلمان نژاد، مرتضی
 شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ پ ۲ م ۴۵ / BP
 رده بندی دیویی: ۹۵۵۳/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۷۰۰۴۰

■ **ویراستار علمی:** احمد پاکتچی

■ **دبیر اجرایی:** مرتضی سلمان نژاد، میثم نظری، محسن محمدزاده

■ **همکاران:** محمد ناصحی، محمد جواد نیکروش، حسین ثاقبی، علی زمانیان جهرمی، محمد احمدی زاده، علی خانی، بسطامی، علی دهقان، مهدی شایق، محمد پوراسماعیلی، امیر شقایق، مهدی والا، مهدی پور وهاب، حسین کرمی، مرتضی درخشان، سید مصطفی صالح نژاد.

■ **ناظر علمی - اجرایی:** مجتبی منتظری

■ **کمیته علمی:**

دکتر احمد پاکتچی (مدیر گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات - ریاست کمیته علمی همایش)
دکتر محسن اسماعیلی (رئیس دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر اصغر افتخاری (معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر احمد بادکوبه (عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران)
دکتر جلال درخشه (رئیس دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر علی رضاییان (رئیس دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر محمدهادی زاهدی وفا (رئیس دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر مهدی سپهری (عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام)
حجت الاسلام والمسلمین شاه آبادی (معاون فرهنگی بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق علیه السلام)
دکتر ستار عودی (عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام)
دکتر رضا محمدزاده (رئیس دانشکده معارف اسلامی و الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام)
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مصطفی مصطفوی (عضو هیئت علمی و معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر عباس مصلائی پور (عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام)
دکتر مجید معارف (مدیر گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران)
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید مهدوی کنی (رئیس دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام)
حجه الاسلام دکتر سید نقیبه (عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه شهید مطهری ره)
دکتر سید علیرضا واسعی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

■ **اساتید مشاور:**

دکتر احمد پاکتچی - دکتر محمد هادی زاهدی وفا - دکتر مجید معارف - دکتر احمد بادکوبه - دکتر ستار عودی - دکتر جعفریان - حجه الاسلام دکتر سید ابوالقاسم نقیبه - دکتر خندان - دکتر منوچهری - دکتر عادل پیغامی - دکتر مهدی سپهری - حجت الاسلام دکتر الویری - دکتر علیخانی - دکتر کاووس سیدامامی - دکتر عباس مصلائی پور - دکتر کامران ایزدی مبارکه - دکتر حجت الله عبدالملکی - جناب آقای سید مجید امامی (دانشجوی دکتری) - جناب آقای عطاء الله بیگدلی (دانشجوی دکتری) - جناب آقای سمیعی نسب (دانشجوی دکتری) - جناب آقای عرب اسدی (دانشجوی دکتری) - جناب آقای علی خلیلی (دانشجوی دکتری) - دکتر خدایاری

فهرست مطالب

- سخن ناشر ۱۱
- پیشگفتار ۱۷
- فصل ۱. مکتب علمی امام جعفر صادق علیه السلام به سوی یک مدل داده بنیاد ۱۹
دکتر حسام‌الدین آشنا / مهدی قضاویزاده
- فصل ۲. امام صادق علیه السلام و تدوین تعالید جعفری ۷۵
دکتر احمد پاکتچی
- فصل ۳. امام صادق و تدوین مذہب جعفری: تدوین فقه جعفری ۱۱۹
دکتر احمد پاکتچی
- فصل ۴. منابع معرفت در نگاه امام صادق علیه السلام ۱۵۹
عیسی علیزاده منامن
- فصل ۵. معرفت‌شناسی در مکتب امام صادق علیه السلام ۱۷۵
مهدی گلشنی
- فصل ۶. عقل و کارکردهای آن از منظر امام صادق علیه السلام در روایات کتاب العقل و العمل اصول کافی ۱۸۷
سید ابوالقاسم تقی‌بی
- ۱۸۷

- فصل ۷. کارکرد معرفت و حیاتی امام صادق (ع) در حوزه علوم اسلامی ۲۰۵
مرتضی ایروانی / بی بی زینب حسینی
- فصل ۸. روش شناسی تفسیر در روایات امام صادق (ع) ۲۲۹
مرتضی خرمی
- فصل ۹. پژوهشی در اصول کلی پدیدریزی شده در مکتب امام صادق (ع) ۲۴۹
ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی
- فصل ۱۰. رهیافتی مقدماتی به درک کنش عقلی و وجودی «تأویل» در تفسیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) ۲۷۵
شهرام خداوردیان
- فصل ۱۱. اصول و روش های حاکم بر مناظرات امام صادق (ع) ۲۸۷
دکتر حسین هوشنگی / یاسین شکروانی
- فصل ۱۲. نظریه دلالت و معنا در آموزه امام صادق (ع) ۳۰۷
احمد پاکتچی
- فصل ۱۳. درآمدی بر دیدگاه های اقتصادی امام جعفر صادق (ع) ۳۲۳
دکتر عادل پیغامی
- فصل ۱۴. معنا و مقام سیاست در مکتب جعفری ۳۸۹
اصغر افتخاری / کسری صادقی زاده
- فصل ۱۵. روش شناسی مطالعات حقوق انسانی با تأکید بر تعالیم مکتب امام صادق (ع) ۴۱۱
محمد جواد جاوید
- فصل ۱۶. روش شناسی مطالعات حوزه اخلاق در مکتب امام صادق (ع) ۴۴۷
احمد فرامرزی قراملکی
- فصل ۱۷. نقش تعینات اجتماعی در فقه مکتب امام صادق (ع) ۴۵۷
مجید کافی

۴۷۷	فصل ۱۸. روش‌شناسی مطالعات حوزه فلسفه بر اساس آموزه‌های مکتب امام صادق <small>علیه السلام</small>	رضا محمدزاده
۴۹۳	فصل ۱۹. روش‌شناسی مطالعات روانشناسی در مکتب علمی امام صادق <small>علیه السلام</small>	محمدحسین توانایی
۵۰۵	فصل ۲۰. تعال حدیث‌ب‌ادانش‌های بشری از دیدگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	عبدالهادی مسعودی
۵۲۳	فصل ۲۱. ارزیابی از آثار متنب‌ب‌امام صادق <small>علیه السلام</small> در میراث اسلامی.....	فرامرز حاج منوچهری
۵۵۷	چکیده فصول.....	
۵۷۹	نمایه.....	

سخن ناشر

۱۲ □ مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (علیه السلام)

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

امام جعفر صادق (علیه السلام)، امام ششم شیعیان و رئیس مذهب امامیه، در تاریخ تشیع و گستره فرهنگ اسلامی چنان اثر نافذ و تأثیر ماندگار برجای نهاده که زاویه‌ای از زوایای فرهنگ اسلامی از آن تأثیر به دور نمانده است. بدیهی است شخصیتی با چنین جایگاه رفیع و گستره تأثیر، در قالب چند مقاله پژوهیدنی نیست و هر اندازه نوشته‌های پژوهشی از این دست ناظر به بعدی از ابعاد وجودی آن حضرت فراهم آید، همچنان راه‌های نرفته و موضوعات پژوهش نشده بسیار خواهد ماند.

آنچه در مجموعه حاضر تقدیم پژوهشگران عرصه فرهنگ شیعه و دوستداران آن حضرت می‌گردد، کوششی در راستای آن است که شخصیت آن امام بزرگوار با نقطه دیدهای مختلف و از منظرهای متنوع، کاویده شود و مطالعاتی چند جانبه به صورتی روشمند و سامان یافته در این باره عرضه گردد. این مجموعه گردآمده‌ای از دو سنخ مقالات پژوهشی است: نخست آنچه به عنوان طرحی پژوهشی با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با عنوان امام صادق (علیه السلام) در اندیشه و عمل، با مدیریت علمی اینجانب فراهم آمده، و دیگر، محصولات همایشی که با عنوان همایش مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) برگزار گردیده و مؤسسات مختلفی حامی آن بوده‌اند که نشان آنها بر ظهر کتاب نقش بسته است. از آنجا که در مقام نشر، از سوی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) تصمیم بر آن شد که این دو مجموعه با یکدیگر تلفیق گردد، بار دیگر ساختاری

موضوع محور برای مجموعه جامع طراحی شد و مقالات با حفظ هویت اصلی خود، در این ساختار جدید جای داده شدند، که در ذیل فهرست عناوین مقالات طرح پژوهشی امام صادق (ع) در اندیشه و عمل ارائه شده و مابقی مقالات مربوط به همایش مذکور می باشد. به هر روی کوشش شده است تا حد ممکن پیوستار موضوعی قابل درکی میان آنها برقرار باشد. اکنون این مجموعه‌ی جامع در دو بخش، بخش نخست با عنوان ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق (ع)، و بخش دوم با عنوان مبانی اندیشه و روش علمی امام صادق (ع) تنظیم گردیده است.

همین جا تلاش یکایک پژوهشگران و حامیان همراه در فراهم آمدن این مجموعه را ارج می نهیم و امید داریم که مجموعه گرد آمده، خدمتی به آستان پرفروغ امام صادق (ع) و کوششی سودمند در جهت معرفی آموزه‌ها و ابعاد شخصیت آن حضرت بوده باشد.

فهرست مقالات پروژه امام صادق (ع) در اندیشه و عمل

- ۱- مکتب علمی امام جعفر صادق (ع)؛ به سوی یک الگوی داده‌بنیاد (دکتر حسام‌الدین آشنا - مهدی قضاوی - زاده)
- ۲- امام صادق و تدوین مذهب جعفری؛ تدوین اصول اعتقادی (دکتر احمد پاکتچی)
- ۳- امام صادق و تدوین مذهب جعفری؛ تدوین فقه جعفری (دکتر احمد پاکتچی)
- ۴- شرایط علمی و فرهنگی در عصر امام صادق (ع) (دکتر احمد پاکتچی)
- ۵- کتابشناسی آثار امام صادق (ع) (فرامرز حاج منوچهری)
- ۶- رهیافتی مقدماتی به درک کنش عقلی و وجودی «تأویل» در تفسیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) (شهرام خداوردیان)
- ۷- اخلاق و زهد در مکتب امام صادق (ع) (دکتر مهدی سپهری)
- ۸- نگاهی به دیدگاه‌های سیاسی امام صادق (ع) (علی اکبر علیخانی)
- ۹- جایگاه امام صادق (ع) در علوم قرآنی و تفسیر (عباس مصلائی پور یزدی)
- ۱۰- اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (ع) (دکتر حسین هوشنگی)
- ۱۱- نقش امام صادق (ع) در حوزه حدیث و علوم آن (مهدی ایزدی)
- ۱۲- رویکردهای اجتماعی در گفتمان روایی امام صادق (ع)؛ مقدمه ای بر گفتمان دینی روایی (دکتر حسن بشیر)

- ۱۳- کتابشناسی شخصیت و جایگاه امام صادق (علیه السلام) (فرامرز حاج منوچهری)
- ۱۴- آثار منتسب به امام صادق (علیه السلام) (خدایاری)
- ۱۵- تحلیل دوگان سیاست- اداره بر اساس برخی از آموزه‌های امام صادق (علیه السلام)
(دکتر صادقی)
- ۱۶- گذاری بر زندگی امام جعفر صادق (علیه السلام) (دکتر سجادی)
- ۱۷- درآمدی بر دیدگاه‌های اقتصادی امام جعفر صادق (علیه السلام) (دکتر عادل پیغامی)

احمد پاکتچی

آذر ماه ۱۳۹۱

مقدمه

امام همام و ششمین اختر تابناک بر آسمان امامت، امام جعفر صادق علیه السلام، شخصیتی محوری در میان ائمه دوازدهگانه علیهم السلام است که به عنوان تدوینگر تعالیم امامیه و بنیانگذار مذهب جعفری شناخته می‌شود. آن حضرت در حوزه‌های مختلف معارف دینی، مشتمل بر عقاید، اخلاق و فقه دارای آموزه‌های سامان یافته و گسترده بود و از همین جهت، بخش عمده‌ای از مواضع شیعیان در مواجهه با مذاهب و وجوه تمایز آنان نسبت به فرق گوناگون، بر بنیاد آموزه‌های آن حضرت شکل گرفته است.

شرایط سیاسی و فرهنگی عصر، مانند مقارن بودن امامت آن حضرت به دوره انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس و دوره مواجهه فرهنگ اسلامی با دین‌ها و مسلک‌های دیگر از یهودیان و مسیحیان تا ثنویان و دهربان گفتمانی را مطرح ساخته بود که بسیاری از مباحث مسکوت دینی را به چالش می‌کشید و بروز چنین گفتمانی، لاجرم مقتضی آن بود تا مبانی و مواضع امامیه به سان یک مکتب مدون و سامان یافته در عرصه تضارب آراء ارائه شود و حضور شیعه به برکت کوشش‌های آن امام بزرگوار و شاگردان تربیت شده در مکتبش، تعیین کننده و کارآمد باشد.

در بوته این مناقشات و هم‌زمان با شکل‌گیری دیرپاترین مذاهب کلامی و فقهی در جهان اسلام، انتظار اولیه آن است که حضرت به اقتضای مقام امامت، به تبیین آموزه‌های دینی اهتمام ورزیده باشد و در نگاه بدوی، به نظر چنین رسد که در حوزه دانش‌هایی که مستقیماً موضوع آنها دین نیست، نباید در تعالیم آن حضرت انتظار یافتن پاسخی داشت. اما مواجهه با فرهنگ‌های و تمدن‌های دیگر و بروز رویکردهای کلامی

و فلسفی عقل محور در جهان اسلام، اجازه نمی‌داد که بتوان با نگاهی صرفاً درون دینی و با استناد به نصوص از حیثیت دین و مکتب دفاع کرد و سخنی برای گفتن داشت. شکل‌گیری جریان‌های درون‌گرای متکی بر نصوص و در رأس آنان اصحاب حدیث در عصر امام صادق (علیه السلام)، خود زنگ خطری بود برای اینکه فرو رفتن در پیروی از ظواهر نصوص و بی‌توجهی نسبت به آنچه در پیرامون می‌گذرد، چگونه می‌تواند محافل دینی جهان اسلام را در معرض تهی شدن از درون قرار دهد.

پاسخگویی به این مقتضیات نیازمند اندیشه عمیق و پشتوانه قوی در راستای کاربرد عقل و تجربه، تنقیح حوزه‌های اعتبار آنها، چستی علم و رابطه آن با عقل و دین و شیوه‌های به کارگیری عقل و تجربه و ایجاد تناسب میان آنها در ساحت‌های علم و ایمان بود. هم از آن حیث که امام صادق (علیه السلام) پیشوای همیشگی مکتب ماست و هم از آن رو که روزگار آن امام از حیث رویارویی‌ها و تحول‌ها بسیار نزدیک به آن است که در عصر ما می‌گذرد، جا دارد که تعالیم مکتب در افقی وسیع‌تر دیده شود و بجاست که نظریه‌پردازی‌های ما در حیطه‌های مختلف دانش، بر دوش بنیادهایی گذارده شود که از سوی آن حضرت نهاده شده است. آشکار است که این بنیادها در یک رابطه متقابل میان زبان عصر ما و زبان علمی روزگار امام (علیه السلام)، باید به دقت استخراج گردد و مورد بازخوانی قرار گیرد؛ بازخوانی و استخراجی که اگر با ضوابط بایسته و با دقت شایسته صورت گیرد، ما را به سرمنزل مقصود خواهد رسانید و اگر به سهل‌انگاری و شتابزدگی برگزار شود و حق آن ادا نگردد، ثمری که باید به بار نخواهد نشست.

احمد پاکتچی

رئیس کمیته علمی نخستین همایش

ملی مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)

مکتب علمی امام جعفر صادق (علیه السلام)؛ به سوی یک مدل داده بنیاد

دکتر حسام‌الدین آشنا / مهدی قضاوی‌زاده^۱

۱. روش تحقیق: تئوری‌سازی (نظریه‌پردازی) داده‌بنیاد (نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه پایه) (۱)

روش تئوری‌سازی داده بنیاد، یک روش تحقیق در علوم اجتماعی است که اولین بار توسط دو جامعه‌شناس آمریکائی، بارنی گلیسر (۲) (۱۹۳۰) و آنسلم استراوس (۳) (۱۹۹۶-۱۹۱۶) معرفی و بکار گرفته شد.

در این روش تحقیق کیفی، مبنای کار، داده‌های خام اولیه و اصلی می‌باشد و فرد پژوهشگر نظریه‌ی خود را بر این داده‌ها بنیان می‌نهد، به همین علت این روش را، روش تئوری‌سازی (نظریه پردازی) داده بنیاد می‌نامند. یعنی نظریه‌ای که بر داده‌ها بنا نهاده شده است. تأیید یک نظریه با توجه به داده‌ها، پایه و مبنای نظریه را تقویت می‌کند. همچنین این روش را نظریه زمینه‌ای نیز نامیده‌اند زیرا: «در صورتیکه پژوهشگر مسائل کیفی، برآیند برنامه کار خود را بدرستی اجرا کند، باید امیدوار باشد که سرانجام به نوعی تعمیم، فرضیه یا نظریه دست یابد، چنین نظریه‌ای را به دلیل آنکه در داده‌های تجربی و میدانی ریشه دارد و از بطن داده‌ها استخراج می‌شود نظریه زمینه‌ای نامیده‌اند. این نظریه‌ها در فرآیند مشاهده، ساخته و پرداخته می‌شوند نه بصورت پیشینی.» (پاک

۱. دانش‌آموخته رشته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

سرشت، تابستان و پاییز ۸۴، صص ۹-۴۰)

نظریه حاصل از تحقیق، باید تبیین‌کننده خوبی از پدیده مورد بررسی باشد. «تئوری‌سازی داده بنیاد یک روش‌شناسی استقرائی کشف‌تئوری است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارش‌تئوریک از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد درحالی‌که بطور همزمان، پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده‌ها محکم می‌سازد.» (امامی، شهریور ۱۳۸۵، به نقل از مارتین و ترنر؛ ۱۹۸۶ و فرناندز؛ ۲۰۰۴)

«استراوس و کاربین، نویسندگان رویه‌ها و فنون تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، این تئوری را به شرح زیر تعریف می‌کنند: تئوری مفهوم‌سازی بنیادی نوعی استراتژی کیفی است که برای تدوین تئوری در مورد یک پدیده بصورت استقرائی، مجموعه‌ای سیستماتیک از رویه‌ها را بکار می‌برد.» (دانائی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳)

نظریه داده بنیاد یکی از روش‌های تحقیق است که برای مطالعه درباره پدیده‌هایی بکار می‌رود که یا بخوبی شناخته شده نیستند و یا لازم است دید تازه‌ای به پدیده‌ای آشنا کسب گردد.

یک نظریه بوسیله مجموعه داده‌های نظام‌مند و تحلیل داده‌های متناسب با پدیده مورد بررسی کشف می‌شود ایجاد می‌شود و موقتا تأیید می‌شود.

در این روش تحقیق کیفی، داده‌های جمع‌آوری شده نیاز به تفسیر دارند زیرا با استفاده از داده‌های خام نمی‌توان به نظریه رسید زیرا نظریه از مفهوم‌سازی داده‌ها و نه صرف جمع‌آوری داده‌های تجربی حاصل می‌گردد و لذا در این عمل تفسیر، ذهنیت، دیدگاه، نگرش و طرز تفکر محقق بر نتایج تحقیق تأثیر می‌گذارد.

نظریه داده‌بنیاد، ریشه در مکتب تفسیری تعامل‌گرائی نمادین دارد و برای بررسی فرآیندهای اجتماعی موجود در کنش‌های متقابل انسانی بکار می‌رود. نظریه‌ی داده بنیاد به عنوان روش، نوعی تحقیق در میدان است که پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آنها مثل بیمارستان، زندان و مورد بررسی قرار می‌دهد، هدف آن نیز بررسی عمیق رفتارها، عقاید و طرز فکرهای افراد و گروه‌ها به همان نحوی است که در زندگی واقعی آنان روی می‌دهد.» (طالبان، اردیبهشت ۸۳، صص ۱۹-۱۴)

در روش تئوری‌سازی داده بنیاد، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان با هم صورت می‌گیرد. اساس این نظریه، همزمانی گردآوری و مقایسه مداوم داده‌ها و تشکیل مفاهیم است.

«یک تئوری که در حین جمع‌آوری داده‌ها، کشف شود بهتر از یک تئوری که پیش از شروع مطالعه شناسایی می‌شود، با شرایط مورد پژوهش تطبیق خواهد داشت و بهنگام بهره‌برداری نافع خواهد بود.» (امامی ۱۳۸۵، به نقل از گلیسر و استراوس؛ ۱۹۶۷) محقق در نظریه داده بنیاد، کار خود را با فرضیه‌های از پیش تعیین شده شروع نمی‌کند بلکه با ظهور مفاهیم است که سؤالات تحقیق و شیوه کار تعدیل می‌شود. در نتیجه، چنین تحقیقی، همانند دیگر روش‌های تحقیق کیفی، رویه‌های دقیق و مشخص ندارد زیرا داده‌های جمع‌آوری شده و مقایسه آنها، محقق را در روش ادامه کار راهنمایی می‌کند که از این نظر این روش دارای انعطاف‌پذیری خاص روش‌های کیفی است و سؤالات تحقیق نیز کلی، باز، انعطاف‌پذیر و مرتبط با پدیده مورد بررسی است تا محقق آزادانه بتواند هر جا که لازم دید تمرکز بیشتری داشته باشد و یا اینکه آن قسمت را کاسته و یا حتی حذف نماید. «در نظریه داده بنیاد پس از آنکه محقق، سؤال تحقیق خود را بصورت کلی مشخص کرد، پنج مرحله طی می‌شود:

۱- جمع‌آوری داده‌های تجربی؛

۲- شکل‌دهی مفهوم؛

۳- توسعه مفهوم؛

۴- اصلاح و تکمیل مفهوم؛

۵- تهیه گزارش تحقیق.» (طالبان، اردیبهشت ۸۳، صص ۱۹-۱۴)

هدف یک نظریه داده بنیاد، تدوین یک نظریه‌ای است که با موضوع مورد تحقیق مناسب بوده و آنرا تبیین کند.

۱-۱. عناصر نظریه‌پردازی داده بنیاد

این روش کیفی پژوهش بر سه عنصر مفهوم، مقوله (یا طبقه)، قضیه (که قبلاً به آن فرضیه گفته می‌شد) تکیه دارد:

۱-۱-۱- مفهوم (۴)

مفهوم، یک عنوان کلی و مشترک است که پس از مقایسه دسته‌ای از داده‌هایی که وجوه مشترک دارند آن مفهوم کلی از آن مجموعه داده‌ها، انتزاع می‌شود، بطوریکه آن مفهوم، یک (یا چند) وجه مشترک در آن مجموعه داده‌ها، را نشان می‌دهد و لذا تمامی آن

مجموعه داده‌ها تحت آن مفهوم می‌توانند قرار گیرند، توجه شود که در اینجا، مفهوم را پژوهشگر باید خود انتزاع کند و حتی ممکنست در هیچ یک از مجموعه داده‌های تحقیق به آن تصریح نشده باشد یعنی در واقع داده‌های جمع‌آوری شده تجربی و عینی هستند ولی مفاهیم مربوط به آنها در یک سطح انتزاعی، ذهنی هستند.

۲-۱-۱- مقوله (۵)

مقوله در مقایسه با مفهوم در سطحی انتزاعی‌تر و تجربی‌تر قرار دارد، یعنی همانطور که با مقایسه داده‌ها، با توجه به اشتراک آنها، یک مفهوم که دربرگیرنده داده‌های مشابه باشد انتزاع شد در اینجا نیز با مقایسه مفاهیم انتزاعی حاصله و با توجه به مشابهت برخی مفاهیم با یکدیگر در سطحی بالاتر از تجرید، مقوله‌ای انتزاع می‌گردد، که در برگیرنده مفاهیم مشابه باشد که دارای وجوه مشترک هستند. طبیعتاً آن مقوله بدست آمده یک (یا چند) وجه مشترک بین مفاهیم پایه‌ای خود را نشان می‌دهد و بر همین اساس آن مفاهیم تحت عنوان آن مقوله قرار می‌گیرند.

مقایسه‌ی مستمر: روند مقایسه بخش‌ها در بطن مقولات یا در میان آنها آنقدر تکرار می‌شود تا سرانجام مقوله‌بندی به یک نتیجه رضایتبخش منتهی گردد. با استفاده از مقایسه مداوم، پژوهشگر معنای هر مقوله را روشن می‌کند، مقوله‌ها را بصورت کامل از یکدیگر جدا می‌کند و درمی‌یابد که کدام مقوله‌ها در پژوهش او اهمیت بیشتری دارند. (مردیت دامین، تابستان ۱۳۸۶، جلد دوم)

۳-۱-۱- قضیه (۶)

گزاره‌هایی که در رابطه بین مقوله‌ها با یکدیگر و بخصوص مقوله محوری و نیز روابط یک مقوله با مفاهیم تحت آن مقوله و در نتیجه روابط بین مفاهیم با یکدیگر را نشان می‌دهد. البته باید در نظر داشت که تولید مفاهیم و مقوله‌ها و قضایا بصورت چرخه‌ای است که دائماً در حال انجام گرفتن می‌باشد و با مقایسه مستمر داده‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها با یکدیگر ممکنست مفاهیم یا مقوله‌های تازه‌ای انتزاع گردند یا اینکه مفاهیم و مقوله‌های قبلی و در نتیجه قضیه (های) اولیه اصلاح و تبدیل گردند.

مثال: «اگر پاسخ‌دهنده به پژوهشگر می‌گوید: من هر روز فعالیتیم را بین کارهای اداری، دیدار با دوستان و نظافت تقسیم می‌کنم آنگاه پژوهشگر ممکنست که به این

پدیده، عنوان زمان‌بندی دهد. زمان‌بندی تجلی یک مفهوم است... افزون بر مفهوم زمان‌بندی تحلیلگر ممکن است مفاهیم زمان‌شناسی، تقسیم وظائف، و اولویت‌گذاری را ایجاد کند. تحلیلگر هنگام کدگذاری به این نکته توجه دارد که اگرچه این مفاهیم از لحاظ شکلی متفاوتند ولی به نظر می‌رسد بیانگر فعالیت‌هایی در جهت یک فرآیند مشابه‌اند و آن جلوگیری از اتلاف وقت است همه این مفاهیم مختلف ممکن است تحت نوعی عنوان تجربیدی تر بنام مقوله استراتژی فرد برای جلوگیری از اتلاف وقت گروه‌بندی شوند.» (دانائی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳، صص ۱۳۶-۱۳۵)

«در این روش نیز همانند سایر روشهای کیفی، مطالعه اکتشافی، یا جستجوی متن قبل از تحقیق لازم نیست و حتی برای پژوهش تهدیدکننده به شمار می‌رود چون منجر به قضاوت زودرس و انحراف مسیر تحقیق می‌شود.» (طالبان، اردیبهشت ۸۳، صص ۱۹-۱۴)

این نکته را باید مدنظر قرار داد، که پژوهشگر ممکنست همان ابتدا پس از استخراج مفاهیم بدون اینکه مقوله‌ها را استخراج کند به قضیه یا نظریه برسد، و یا اینکه پس از استخراج مقوله‌ها، در سطحی انتزاعی‌تر، بخواهد عناوینی که دربرگیرنده مقوله‌های مشابه هستند را استخراج کند و این عمل استخراج و انتزاع را در سطوح بیشتری انجام دهد.

در اینجا دو سطح انتزاع (مفهوم، مقوله) بعنوان نمونه و نیز بدین جهت که نویسندگان و صاحب‌نظران این روش اینگونه بیان کرده‌اند توضیح داده شدند.

اعتبار نظریه داده بنیاد منوط به محقق می‌باشد. محقق لازمست که موضوع را بخوبی شناخته تا بتواند داده‌ها و مقوله محوری را شناسائی نموده و آنها را به هم مرتبط نماید. بیشتر ارزش و اعتبار یک نظریه داده بنیاد ناشی از دانش محقق و توجه کامل و دقیق به فرآیند کدگذاری می‌باشد.

۲-۱- مراحل فرآیند تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها که همزمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت می‌گیرد دربرگیرنده سه فرآیند مشخص است که عبارتند از:

۱-۲-۱- کدگذاری باز (۷)

فرآیند جداسازی، بررسی، مقایسه، مفهوم سازی و دسته‌بندی داده‌هاست. کدگذاری باز

دربرگیرنده طبقه‌بندی مفاهیم در مقوله‌ها براساس خواص داده‌هاست. این مرحله فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. (امامی، ۱۳۸۵، به نقل از استراوس و کوربین؛ ۱۹۹۸)

در این مرحله، متن، خط به خط مرور شده و داده‌ها به تکه‌های معنادار کوچکتری شکسته می‌شوند. جملات اصلی استخراج و بصورت کدهائی (از متن یا بر اساس استنباط محقق) ثبت می‌گردند. در همین مرحله دسته‌بندی اولیه‌ای از کدها انجام شده و کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱- کدگذاری محوری (۸)

فرآیند ربطدهی مقوله‌ها با زیرمقوله‌هایشان و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری به این دلیل محوری نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. (امامی، ۱۳۸۵، به نقل از استراوس و کوربین؛ ۱۹۹۸)

طبقات اولیه‌ای که در جریان مرحله کدگذاری باز پدیدار می‌شوند در مرحله کدگذاری محوری با یکدیگر از جهت تشابهات و تفاوتها مقایسه شده و طبقاتی که به یکدیگر مربوط هستند حول محور مشترکی قرار می‌گیرند.

[مقوله محوری یا] «متغیرهای اصلی متغیرهای اند که:

۱- در اطلاعات تکرار می‌شوند؛

۲- داده‌های مختلف را ارتباط می‌دهند؛

۳- چون اصلی و مرکزی‌اند، عمده پراکندگی‌های موجود در اطلاعات را توضیح

می‌دهند؛

۴- به یک تئوری کلی‌تر و صوری‌تر دلالت دارند؛

۵- با تفصیل بیشتر آنها تئوری به جلو حرکت می‌کند؛

۶- امکان حداکثر تغییر و تحلیل را فراهم می‌آورند.

متغیرهای اصلی در واقع همان فرآیندهای اساسی اجتماعی‌اند که صرفنظر از حالات متفاوت در طول زمان تداوم دارند.» (طالبان، اردیبهشت ۸۳-صص ۱۹-۱۴)

در کدگذاری محوری، داده‌ها از طریق برقراری ارتباط بین مقوله‌ها در جای مناسب خودشان نسبت به یکدیگر به یک سبک جدید قرار داده می‌شوند.

۳-۲-۱- کدگذاری انتخابی (۹)

کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پرداز داده بنیاد، یک تئوری از روابط فیما بین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش در می‌آورد. در یک سطح اصلی، این تئوری شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه می‌شود ارائه می‌دهد، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند به شکلی نظام‌مند آنرا به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند تکمیل می‌کند. (امامی، ۱۳۸۵ به نقل از استراوس و کوربین؛ ۱۹۹۸)

کدگذاری انتخابی، فرآیند ادغام و تصحیح طبقات است در این مرحله پژوهشگر با تعیین طبقه مرکزی می‌تواند طبقات پدیدار شده را به هم ربط دهد. متغیر اصلی در حقیقت برای نظریه به مثابه مفهوم بنیادی است و انسجام نظریه را موجب می‌شود.

۳-۱- روش تحقیق تئوری‌سازی تاریخی داده‌بنیاد (۱۰)

این روش تحقیق، زیرمجموعه روش تحقیق تئوری‌سازی داده بنیاد می‌باشد با این تفاوت که منبع داده‌ها، اسناد و متون مکتوب تاریخی، آثار صوتی یا تصویری، یا دیگر مدارک مربوطه باقیمانده می‌باشد. همچنین در صورتیکه از پدیده مورد بررسی، زمان زیادی سپری نشده باشد و (بعضی از) افرادی که از نزدیک شاهد ماجرا بوده‌اند هنوز در قید حیات باشند نیز می‌توان بهره برد و از آنها به روش مصاحبه، به جمع‌آوری داده پرداخت. به هر حال مطمئناً از روش مشاهده (مستقیم یا غیرمستقیم) نمی‌توان استفاده نمود زیرا در روش مشاهده، همزمانی وقوع پدیده و انجام مشاهده شرط لازمست گرچه شاید بتوان پدیده مورد نظر را بازسازی نمود اما دیگر این روش مشاهده نخواهد بود زیرا با توجه به اینکه بازسازی براساس اسناد و مدارک باقیمانده یا اظهارات افرادی که از نزدیک شاهد ماجرا بوده‌اند می‌باشد بازگشت روش بازسازی نیز به همان روش مطالعه اسناد و مدارک یا مصاحبه بوده و زیرمجموعه آنها به شمار می‌آید علاوه بر اینکه اولاً همیشه نمی‌توان تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف پدیده مورد بررسی را تحت نظر داشته و مجدداً آنها را بازسازی نمود که چه بسا آن ابعاد و ویژگی‌ها در پدیده

مورد بررسی، تأثیرگذار باشند ثانیاً رفتار افراد در هنگام بازسازی پدیده طبیعی نخواهد بود بلکه تصنعی می‌باشد و این باعث دور شدن از واقعیت می‌گردد.

البته باید متذکر گردید که می‌توان از اظهار نظرهای افراد دیگر که همان پدیده را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند بهره جست تا با دیدگاه‌های مختلف آشنا گشت این امر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که دیگران از لحاظ زمانی نسبت به پدیده مورد نظر، از ما نزدیکتر بوده باشند یا آنکه با افراد مورد بررسی اشتراکات بیشتری داشته باشند یا اینکه آنها به امکانات و منابعی دسترسی داشته باشند که در دسترس ما نیست.

آفت مهمی که در این زمینه ممکن است دامنگیر فرد محقق گردد این است که با توجه به اینکه پدیده مورد بررسی در زمان گذشته اتفاق افتاده است و زمان زیادی از آن سپری شده است در طول این مدت ممکن است افراد زیادی در مورد آن پدیده، تحلیل و اظهار نظر کرده باشند که اطلاع داشتن پژوهشگر از آن تحلیل‌ها و اظهار نظرها می‌تواند برای تحقیق، مضر باشد زیرا قرار است که مفاهیم و مقوله‌ها و در نهایت نظریه، بدون هیچ‌گونه پیشفرض و ذهنیت قبلی ولی همزمان با جمع‌آوری داده‌ها ارائه گردد که هرگونه ذهنیت در این زمینه می‌تواند در جهت‌گیری نظریه پژوهشگر تأثیرگذار باشد.

در این روش تحقیق برای اینکه پژوهشگر بهتر بتواند داده‌ها را تعبیر و تفسیر نماید و از آنها مفاهیم و مقوله‌ها را استخراج نماید درک کامل اوضاع و شرایط زمان و مکان مورد تحقیق لازم است که اینرا نیز می‌تواند از دیگر داده‌ها بدست آورد یا اینکه در حین استخراج مفاهیم و مقوله‌ها آنها را کشف نماید.

معمولاً داده‌های تاریخی، گزارشی در مورد اعمال و رفتار افراد به ما می‌دهد اما در مورد دیدگاه و طرز نگرش آنها چیزی به ما نمی‌گوید که این وظیفه خود محقق است که آنها را استخراج نماید. این تحقیق، دستورالعمل و روند مشخصی ندارد و در حین جمع‌آوری داده‌ها، نوع داده‌ها راهنمای پژوهشگر برای ادامه کار خواهد بود.

ارائه مدل مکتب علمی حضرت امام صادق (علیه السلام) با استفاده از روش نظریه سازی داده بنیاد ممکن می‌باشد. برای ارائه نظریه داده بنیاد در مورد یک پدیده ابتدا داده‌های مربوط به آن پدیده استخراج و سپس با کنار هم قرار دادن داده‌های مشابه، مفاهیم از آن داده‌ها انتزاع می‌شوند و سپس با تجرید مفاهیم همانند، مقوله‌ها بدست می‌آید آنگاه با

ارائه فضایی مربوطه، روابط بین مقوله‌ها با یکدیگر و با مفاهیم مربوط به آنها تبیین می‌شود.

برای بدست آوردن داده‌های مربوط به مکتب علمی حضرت امام صادق (علیه السلام) از دو دسته منبع استفاده شد:

۱- منابع حدیثی: احادیث حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره علم، علم‌آموزی، یادگیرنده، یاددهنده و ...

۲- منابع تاریخی: نقلهای تاریخی و نظرات مورخین درباره مکتب علمی حضرت امام صادق (علیه السلام).

علاوه بر اینها منابع مرتبط دیگری نیز مورد مطالعه قرار گرفتند که فهرست برخی از مهمترین منابع استفاده شده بدین شرح است:

- ۱- اصول کافی
- ۲- بحار الأنوار
- ۳- ناسخ التواریخ
- ۴- مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه
- ۵- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد
- ۶- میزان الحکمه
- ۷- الإمام جعفر الصادق (علیه السلام)
- ۸- الإمام الصادق، حیات و عصره - آراؤه و فقهه
- ۹- فی رحاب أئمة أهل البيت
- ۱۰- موسوعه الإمام الصادق
- ۱۱- ینابیع الحکمه
- ۱۲- آثار الصادقین
- ۱۳- منتهی الآمال
- ۱۴- تحف العقول

۴. عصر امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) در سال ۸۳ (یا ۸۰ ه.ق. بنا بر اختلاف روایات) دیده به جهان گشودند و

مدت ۱۱ (یا ۱۴) سال را در محضر جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) سپری نمودند و مدت تقریباً ۱۹ سال را نیز همراه پدر بزرگوارشان زندگی می‌کردند تا اینکه در سال ۱۱۴ ه.ق. پدر بزرگوارشان بدست هشام بن عبدالملک به شهادت رسیدند و دوران امامت ایشان آغاز گردید.

تکیه اصلی شیعه از نظر فکری و عقیدتی بر امام صادق (ع) بوده و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت (ع) توسط این امام اشاعه یافته است. امام صادق (ع) حد فاصل فرقه‌هائی قرار گرفته که در شیعه بوجود آمده و وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحرافات را در رأس برنامه خود قرار داده و آنرا از تأثیرپذیری در مقابل انحرافات موجود عصر خود - که خلوص فکری و عقیدتی و استقلال مکتبی آنرا بطور مداوم، مورد تهدید قرار می‌داد - بازداشته است. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۳) منصور عباسی که همواره درگیر مبارزه با علویین بود، می‌کوشید تا شخصیت فقهی امام صادق (ع) را با مطرح کردن برخی از فقهاء اهل سنت مثل مالک بن انس کم‌رنگ جلوه دهد. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۹)

گسترده‌گی اصحاب امام صادق (ع) و وسعت جریان تشیع طبعاً ناهماهنگی‌ها و اختلافاتی به همراه داشت. در آن روزگار کلیه شاگردان و شیعیان آن حضرت نمی‌توانستند تفکر و اندیشه خود را در یک زاویه صحیحی قرار داده و تمامی معارف دینی خود را همچون محمد بن مسلم و زراره از سرچشمه اصلی آن که خاندان رسالت بود بگیرند.

بسیاری از آنان در حلقه درس محدثین اهل سنت نیز حاضر می‌شدند که به نوبه خود تأثیراتی در طرز تفکر و تلقی آنها بجای می‌گذاشت و از طرف دیگر کثرت و گسترده‌گی پیروان آن حضرت و پراکنده بودن آنها در سرزمین‌های دور و نزدیک، امکان مراجعه شخصی همه آنان را به امام غیرممکن ساخته بود و لذا آنان در مسائل خود اعم از فقهی و عقیدتی و ... به شیعیان معروف‌تر مراجعه می‌کردند که طبعاً اختلاف نظر میان آنان از این راه به دیگر شیعیان نیز راه پیدا می‌کرد و نیز در گیرودار درگیریهای سیاسی، میان پاره‌ای از شیعیان، تمایلاتی به حکومت تازه‌یافته عباسیان که پیش از آن در محافل شیعیان حضور جدی داشتند دیده می‌شد و این خود عاملی بر عوامل اختلاف شیعیان افزود.

علاوه بر همه اینها جریان زیدیه نیز عامل دیگری در این تفرقه شده و با پیدایش

حرکتهای انقلابی آنها، بسیاری از شیعیان سیاسی و تندرو، جذب این گروه شدند و پیرامون آنها را گرفتند، پیش‌آمدهایی از این قبیل کمابیش اثرات ناهنجار و نسبتاً عمیقی بر شیعه بجای گذاشت. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۵۳-۲۵۲)

از جمله مهمترین جنبه‌های زندگی امام صادق (ع) که در حیات شیعه اصیل، نقش عظیم دارد مخالفت و مبارزه آشکار آن حضرت با غلات و مساله غلو است که در زمینه‌های مختلفی باعث محدودیت غلات شده و آنان را از حوزه شیعه دور ساخته است در غیر اینصورت اثری از شیعه واقعی باقی نمانده و این مذهب بازیکه دست بوالهوسانی می‌شد که با تأثیر از فرهنگهای مسیحی-یهودی چهره‌ای دیگر از شیعه ارائه می‌دادند. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۵۷-۲۵۶)

امام صادق (ع) با دو گونه انحراف مواجه بود: انحراف در سطح سیاسی که در هیأت حاکمه و دولت وقت مجسم شده بود و انحراف خطرناکی در امت که نادانی آنان از واقعیت مکتب بود. (عادل ادیب، چاپ هشتم تهران ۱۳۶۹ ص ۱۸۲)

در دوران امامت امام صادق (ع) تنها در دهه سوم قرن دوم هجری، آزادی نسبی وجود داشت که حتی در همان دهه نیز فعالیت‌های آن حضرت و شیعیان او تحت کنترل بوده، اما پیش از آن بوسيله بنی‌امیه و پس از آن بوسيله منصور عباسی شدیدترین فشارها علیه شیعیان اعمال می‌شد بطوریکه جرأت هرگونه ابراز وجودی از آنها سلب شده بود. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان، ترک تقیه را مساوی ترک نماز اعلام فرمود. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۷۹-۲۷۸)

یکی دیگر از مشکلات جامعه تشیع در زمان حیات حضرت امام صادق (ع) تفرقه و اختلافی بود که بین آنها بوجود آمده بود. عباسیان وقتی موفق شدند تا نظام حکومت اموی را زیرورو کنند که شعار «الرضا من آل محمد» را مطرح کردند تا عواطف علویان و پایگاه‌های مردمی آنها را جذب کنند و آن به این اعتبار بود که از طرفی اهل بیت نمودار قویترین حزب بودند که با سیاست امویان معارضة داشت و از طرف دیگر مسأله عدالت اجتماعی را برعهده گرفته بودند. (عادل ادیب، چاپ هشتم تهران ۱۳۶۹ ص ۲۰۰)

در دوران حیات امام صادق (ع) حوادث سیاسی مهمی رخ داد که از جمله آنها جنبش علویان (قیام زید بن علی و قیام محمد بن عبدالله بن حسن و برادرش ابراهیم در سالهای ۱۴۵ و ۱۴۶ ه.ق.) و جنبش عباسیان بود که بدنبال آن حکومت بنی‌امیه

سقوط کرده و بنی عباس روی کار آمد و جدائی عباسیان و علویان نیز که زمینه‌های آن قبل از به حکومت رسیدن آل عباس آماده شده بود از جمله حوادثی است که در زمان آن حضرت به وقوع پیوست.

(پس از قیام زید) در میان جعفری‌ها و زیدی‌ها، اختلافات شدید و مبارزات داغی آغاز شد که در جریان آن، زیدی‌ها، امام صادق (ع) را آماج ایراد اتهاماتی قرار دادند. (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۸۳-۲۸۰)

تلاش‌های سیاسی امام در مقابل قدرت حاکمه در آن شرایط به عدم رضایت از حکومت موجود و ادعای علنی انحصار امامت و رهبری اسلام، در خانواده رسول خدا محدود بود؛ از نظر امام صادق (ع) تعرض نظامی علیه حاکمیت بدون فراهم آوردن مقدمات لازم آن - مخصوصاً مسائل فرهنگی - جز شکست و نابودی نتیجه دیگری نداشت، برای این کار براه انداختن یک جریان شیعی فراگیر با اعتقاد به امامت لازم بود تا تلاشی علیه حاکمیت آغاز و حصول به پیروزی از آن ممکن باشد وگرنه یک اقدام ساده و شتابزده نه تنها دوام نمی‌آورد بلکه فرصت‌طلبان از آن بهره‌برداری می‌کردند (جعفریان، چاپ اول بهار ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۸۴). امام صادق (ع) برای این منظور بزرگ به پرورش اصحابی همت گماشت که از نظر فقهی و روایی از بنیانگذاران تشیع جعفری بشمار آمده‌اند.

مکتب علمی امام صادق (ع):

پس از مطالعه منابع روایی مورد نظر، اطلاعات و داده‌های مربوطه استخراج گردید که بخش مهمی از این داده‌ها را مفاهیم اخلاقی تشکیل می‌داد که این موضوع نشان دهنده اهمیت مسأله اخلاق در علم‌آموزی می‌باشد. همچنین بر این نکته نیز تأکید می‌شد که اخلاق و تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلم است زیرا علم نزد یکنفر بی‌اخلاق غیرمهدّب مانند شمشیر است در دست یک زنگی مست.

در این زمینه، هم بطور کلی سفارش شده است که فرد قبل از تعلم، تهذیب و اخلاق داشته باشد و هم اینکه به برخی از مفاهیم اخلاقی نیز صراحتاً اشاره شده است که یکدسته از آنها ردائلی است که از آنها نهی شده است (مثل: طمع، بخل، ریا، تعصب، مدح‌دوستی، بیش‌رمی، فخرفروشی (۱۱)، کبر (۱۲)، خودستائی، حسادت، عجب (۱۳)، ذلت، مرأء (۱۴)، جدال (۱۵)، خصومت) و دسته دیگر فضائلی است که به

آنها سفارش شده است (مثل: بذل علم، حياء و ادب (۱۶)، خشیت (۱۷)، خوف، تفکر، سکوت، حلم (۱۸)، حزم (۱۹)، صبر (۲۰)، شرح صدر (۲۱)، رفق (۲۲)، مدارا، نصیحت (۲۳)، عبودیت (۲۴)، تواضع (۲۵))

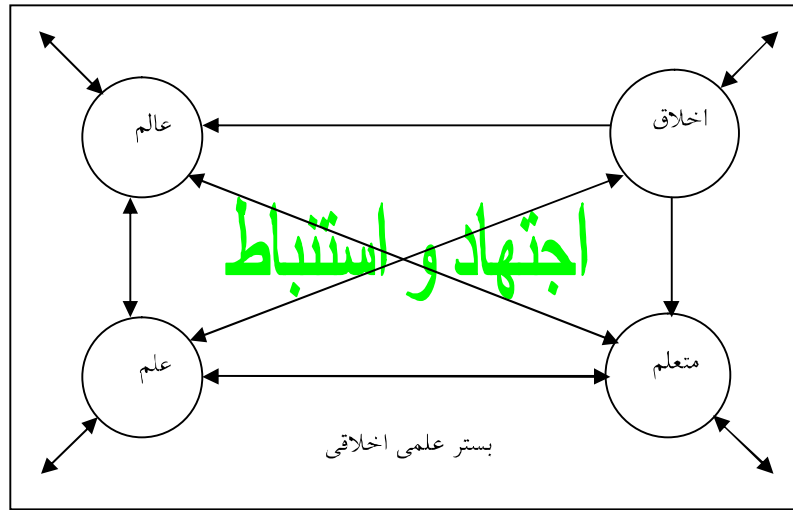
باید توجه داشت که برخی از موارد نهی شده جزء آفات علم می‌باشند و برخی از موارد سفارش شده جزء آثار و فواید علم می‌باشند. علاوه بر اینکه مواردی مانند حیات، رشد، معرفت و سعادت نیز از آثار و فواید علم هستند همچنین برخی از موارد سفارش شده از وظایف فرد در تعلیم و تعلم نیز می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت در روایات و نقلهای تاریخی به مهمترین آداب تعلیم و تربیت پرداخته شده است که مجموع این نوع داده‌ها، مقوله اخلاق علم و تقدم آن بر علم‌آموزی را شکل می‌دهند و این مقوله یکی از ارکان الگوی علم‌آموزی در مکتب جعفری می‌باشد.

یکی از مهمترین مسائلی که در این زمینه برای قبل از علم‌آموزی مطرح است تأکیدی است که بر اخلاص و پاک بودن نیت فرد می‌باشد و مسأله مهم دیگر برای بعد از علم‌آموزی، ابتدا تفکر و تأمل بر آموخته‌هاست و سپس بکارگیری آموخته‌ها و عمل کردن به آنهاست که خود این دو (درایت و رعایت) در مکتب جعفری بعنوان منبع معرفتی شناخته می‌شوند و در آموزش از آنها استفاده می‌گردد.

در مورد شیوه آموزش حضرت اولاً همانطور که ذکر شد تدبر و عمل کردن به آموخته‌ها بعنوان دو منبع معرفتی مهم تلقی می‌گردند که همگان به اندازه ظرفیت خود می‌توانند از آن بهره بگیرند. همچنین از فرمایشها و عملکرد حضرت نیز می‌توان موارد دیگری نیز در زمینه شیوه تعلیم و تعلم برداشت نمود که همگی اینها را می‌توان تحت مقوله علم در نظر گرفت اما باید در عین حال توجه داشت که در این میان (همانطور که در زمینه اخلاق تأکید زیادی بر عمل کردن به آموخته‌ها بود) از لحاظ علمی تأکید زیادی بر تفکر و تحقیق و استنباط می‌باشد بطوریکه می‌توان آنرا مسأله‌ی محوری الگوی علم‌آموزی در مکتب جعفری دانست.

پس از مشخص شدن مقوله‌های مربوط به داده‌ها، حال باید الگوئی مطرح نمود تا روابط بین مقوله‌ها را نشان دهد به نظر می‌رسد الگوئی که بتواند روابط موجود بین مقوله‌ها را نشان دهد اینگونه است:



مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)

با توجه به داده‌های بدست آمده از منابع حدیثی و تاریخی، و از کنار هم قرار دادن داده‌های مشابه، یکسری مفاهیم انتزاع شدند. البته باید در نظر داشت که مفاهیم استخراج شده می‌تواند عیناً در داده‌ها ذکر شده باشد یا اینکه برداشت محقق باشد در این تحقیق هم برخی عناوین، خود همان لفظی است که در داده‌ها ذکر شده بود و برخی هم حاصل انتزاع محقق می‌باشند.

اخلاق تعلیم و تعلم و تقدم آن بر علم آموزی:

۴-۱- فضائل

۴-۱-۱- سکوت، حیات، معرفت، رشد، سعادت، تفکر، حکمت، خیر

فرد با یادگیری علم، می‌فهمد که مجهولات وی بسیار زیاد است لذا با علم‌آموزی بیشتر، بیشتر سکوت می‌کند و خاموش می‌ماند. در سکوت، افکار و خواطرش جمع شده و باعث فراغت برای عبادت و فکر و ذکر می‌گردد در نتیجه از آفات زبان در امان می‌ماند (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۳۲۰ ماده خاموشی) با تفکر، قلب روشنائی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۵ باب تفکر) و حیات یافته (۲۶) و علم فزونی می‌یابد (مصطفوی، ۱۳۶۰،

ص ۱۱۵ باب تفکر) و به معرفت و حکمت که علم به حقایق اشیاء می باشد (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۷۲ ماده علم و حکمت) و از آن به خیر کثیر (۲۷) یاد شده دست می یابد و از گناه کبیره اجتناب می نماید (۲۸) و اینگونه حیات واقعی روح تأمین یافته و رشد و سعادت انسان تضمین می گردد.

۲-۱-۴- ادب، حیاء

یکی از عالی ترین ویژگی های اخلاقی انسان عبارتست از دوری کردن از آنچه که آنرا برای دیگران زشت و ناپسند می داند (۲۹) که این خصلت اخلاقی زینت زیبای انسان می باشد (۳۰) و نشان دهنده شایستگی عقلانی وی می باشد و انسان را به مکارم اخلاقی رهنمون می گردد (۳۱) آنگاه فرد از ارتکاب منهیات شرعی، عقلی، و یا عرفی شرمگین شده (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۳۶۸ ماده بیشرمی) و همین امر موجب هیبت و بزرگی فرد می شود و وی را به کار خودش مشغول می دارد (۳۲) که این فضیلت اخلاقی می تواند نتیجه علم باشد یعنی فرد وقتی علم آموخت، زشتی بسیاری از امور را درک کرده و نسبت به دیگران ادب و حیاء پیشه می کند (۳۳) بخصوص نسبت به معلم خود که علم آموزی خود و تمام آثار و نتایج علم آموزی خود را مدیون وی می داند لذا سعی می کند نهایت ادب و احترام را در قبال استاد خود رعایت نماید و حتی خود را بنده و غلام وی می داند. همچنین فرد سعی می کند در محضر خداوند نیز ادب و حیاء را مراعات نموده و با گناه کردن، بی ادبی نمی کند چرا که ادب نسبت به خداوند آنست که برای وی شریکی قائل نگردد (۳۴). فرد با حیاء چونکه نسبت به خود نیز حیا می کند در خلوت هم گناه نمی کند که این غایت حیاست (۳۵).

۳-۱-۴- خوف، خشیت

وقتی فرد، علمی را فراگرفت خداشناسی وی نیز بیشتر می گردد و بیشتر به عظمت و کبریای او پی می برد لذا خود را در قبال عظمت وی ناچیز دانسته و می فهمد که بطور شایسته و بایسته حق وی را نتوانسته است آداء نماید لذا از آنجائیکه احتمال عذاب شدن به خاطر این کوتاهی را می دهد تألم و ناراحتی دارد و سعی می کند با تقوی و اطاعت پروردگار، آنچه را که از دستش برمی آید، انجام دهد.

۴-۱-۴- صبر، شرح صدر، حلم، حزم

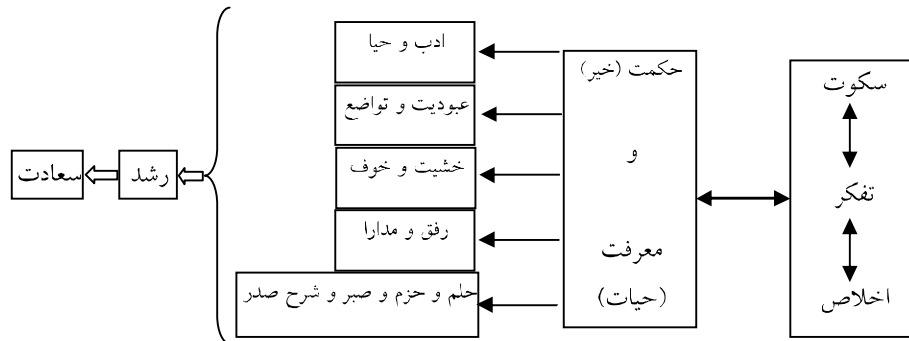
علم‌آموزی یک فرآیند نسبتاً طولانی می‌باشد و زمان زیادی را می‌طلبد لذا لازمه فراگیری علم، داشتن قدرت تحمل و دوری از شتابزدگی است که خود فرآیند علم‌آموزی باعث تقویت این ویژگی نیز می‌شود چونکه فرد در طی فرآیند علم‌آموزی به پایان کار نظر داشته و با نظرخواهی از عقلاء (۳۶) و بهره‌گیری از تجربه به علم‌آموزی پرداخته است. علاوه بر تحمل زیادی که فرد دارد بلکه علم نیز به فرد می‌آموزد که از عجله پرهیز نماید و در قبال اشتباهات، گذشت و چشم‌پوشی داشته باشد و اختیار خود را به نفس نسپارد. همچنین در سختی‌ها و مصائب، پایداری نموده و ثبات و آرامش نفس خود را قبل و بعد از حوادث کنترل نموده و ثابت نگه دارد (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۴۴۱ ماده صبر) که همین امر موجب می‌شود شرح صدر، و قدرت تحمل مشکلات و سختی‌های زیادی را از لحاظ کمی و کیفی داشته باشد.

۴-۱-۵- نصیحت، رفق، مدارا

فراگیرنده علم، از آنجائیکه از تکبر دوری می‌نماید و دیگران را حتی بهتر از خودش می‌داند لذا همیشه خیرخواه دیگران می‌باشد یعنی دوام خیر و نعمت را برای یک مسلمان دوست داشته و از رسیدن بدی و شر به وی ناراحت است (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۲۵۵ ماده نصیحت) با آنها نیز به نرمی و ملایمت بدون هیچ خشونت، تندی یا درشتی رفتار می‌کند. (۳۷)

۴-۱-۶- عبودیت، تواضع

یادگیرنده علم، با علم‌آموزی خود از یک طرف می‌فهمد که مجهولاتش بسیار زیاد است و از طرف دیگر بیشتر پی به عظمت خداوند متعالی می‌برد لذا نسبت به وی بندگی نموده و تسلیم محض می‌باشد (در آنچه خداوند به وی داده است ملکیتی برای خود نمی‌بیند برای خود تدبیری نمی‌اندیشد و همیشه مشغول انجام واجبات و ترک محرمات است (۳۸)) آنگاه آدمی با دوری از کبر، خود را بالاتر از دیگران ندیده و در مقابل حق سرسپردگی دارد.



۲-۴-۲-۲-۴-۲-۲ ذائل

۱-۲-۴-۲-۱ کبر، بخل، حسادت، فخر فروشی، مدح دوستی، عجب

انسان بخاطر حب نفس برای رسیدن به یک آرامش کاذب، سعی می‌کند نقائص را از خود نفی و کمالات را برای خود اثبات کند (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۱۷۰ ماده خودستایی) در نتیجه به جهت کمالی که در خود می‌بیند خود را بزرگ شمرده و از خودش راضی می‌گردد و برای هیچکس غیر از خودش، فضلی را قبول ندارد و خود را بالاتر از دیگران می‌بیند و معتقد به رجحان و برتری خود بر دیگران می‌شود (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۱۶۲ ماده کبر) و نسبت به آنها فخر و مباهات می‌نماید لذا دیگران را تحقیر می‌کند در این راستا دوست دارد که دیگران به ستایش و مدح وی بپردازند و از مذمت و بدگویی آنها ترسان است لذا همواره افعال و حرکات خود را بر وفق خواهش و رضای دیگران تنظیم می‌کند به امید آنکه وی را بستایند (نراقی، ۱۳۷۲، صفحه ۳۳۱ ماده حب مدح) آنگاه در اثر مدح و ثنای دیگران فریفته شده و چشم حقیقت‌بین وی کور می‌شود. حال یکی از این کمالات می‌تواند، علم باشد که وقتی فرد علمی فراگرفت خود را بواسطه این علم، برتر از دیگران می‌پندارد نسبت به مردم عوام کبر می‌ورزد بخاطر اینکه خود را واجد و آنها را فاقد آن علم می‌داند و نسبت به کسانی که آن علم را دارند نیز بخاطر آنکه تصور می‌کند که در آن علم بیشتر و بهتر از آنها می‌داند کبر می‌ورزد و برای این منظور از یاد دادن مطلبی به آنها دریغ می‌ورزد و دچار عارضه بخل می‌گردد و نیز از اینکه آنها مطلب جدیدی را یاد بگیرند ناراحت می‌شود و به آنها